مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۵/ تابستان ۱۳۹۹

انگاره‌های عالمان مسیحی از ویژگی اجتماعی پیامبر اسلام(ص) از قرن هشتم تا چهاردهم میلادی

راضیه سیروسی[۱]
علیمحمد ولوی[۲]

چکیده: از آغازین سال‌های ظهور اسلام و گسترش آن در سرزمین‌های مسیحی‌نشین، موضع‌گیری متفاوتی نسبت به اسلام و به‌خصوص پیامبر(ص) شد و عمدهٔ این مواضع، قالب مقابله داشت. حضرت محمد(ص) در آثار مسیحی چهره‌ای بیمارگونه، متمایل به سحر و جادو، حیله‌گر، شهوت‌ران، جنگ‌طلب و مقلد مسیحیت معرفی شده است. انگاره‌هایی که به صورت مستقیم در شکل‌گیری تصورات غربی از پیامبر اکرم(ص) تأثیر داشته است. این انگاره‌ها در دو گونهٔ ویژگی فردی و اجتماعی پیامبر(ص) شناسایی شد. در مقاله حاضر، بی‌آنکه در پی بررسی علت ظهور تصاویر در ذهنیت عالمان غربی باشیم، کوشش شده است تا نسبت میان متغیرهایی چون محل نشو و نما، وابستگی سیاسی و رشتهٔ تخصصی عالمان مسیحی، با انگاره‌های آنان از ویژگی اجتماعی پیامبر(ص) طی قرن هشتم تا چهاردهم میلادی مورد بررسی قرار گیرد. نگارندگان این پژوهش، در پی پاسخگویی بدین سؤال می‌باشند که چه رابطهٔ معناداری میان متغیرهای فوق و انگاره عالمان مسیحی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) وجود دارد؟ نتایج نشان داد که عالمان مسیحی، با وجود تفاوت دوره زمانی، زادگاه و حرفه، انگارهٔ واحدی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر اسلام داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: انگاره، عالمان مسیحی، پیامبر(ص)، ویژگی اجتماعی

۱ فارغ التحصیل دکتری تاریخ اسلام دانشگاه الزهراء sirousirazi@yahoo.com
۲ استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول) a.valavi@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

Perceptions of Christian Scholars of the Social Features of the Prophet of Islam (PBUH) during 8th-14th Century AD

Raziyeh Sirosi[1]
Ali Mohammad Valavi[2]

Abstract: From the beginning years of the emergence of Islam and spread of Islam in the Christian lands, the Church made various criticisms of Islam. The Prophet has been introduced in Christian books as a man with sickly face, inclined to magic, cunning, lucid. These are the ideas that directly influenced the formation of Western imagery of the Holy Prophet. These concepts were categorized in two aspects of individual and social features of the Prophet. Naturally, some variables such as location and posture, political affiliation, and specialty of the Christian scholars have affected their perceptions of the Prophet. In the present paper, the content analysis method has been used and it has been tried to identify the relationship between these two variables after the typology of the first Christian scholars until the 14th century AD and their perception of the social features of the Prophet.

Keywords: Perceptions, Christian scholars, Prophet (PBUH), social features.

1 PhD Of Islam History, University of Al-Zahra sirousirazi@yahoo.com
2 Professor of Islam History, Al-Zahra University (Corresponding author) a.valavi@alzahra.ac.ir

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

مقدمه

امروزه پیامبر اسلام(ص) به عنوان یکی از شخصیت‌های مهم و اساسی در غرب شناخته می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف شعر، نقاشی، فیلم، تئاتر و تألیف کتاب، زندگانی پیامبر(ص) را به عنوان یکی از موضوعات کاری خود انتخاب کرده‌اند، اما محتوای بسیاری از این آثار، از نوعی اظهارات اقتدارگرایانه حکایت می‌کند. به‌خصوص پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر فضایی در غرب ایجاد شد که دیگر نمی‌توان از مشکل برخورد مذهبی و تمدنی غفلت کرد (Cesari, 2013: 13). برای بسیاری از مردم و حتی اندیشمندان اروپایی، رویارویی تنها روشی است که پیامبر اسلام(ص) را می‌توان با آن توصیف کرد. البته در قرون اخیر، در بعضی از محافل دانشگاهی، چهرهٔ واقعی‌تری از پیامبر(ص) ارائه می‌شود، اما فرهنگ رسانه عمومی و سیل تبلیغات، گرایش جمعی غرب را به سمت و سوی مقابله با اسلام تقویت کرده است.

طبیعی است که انگاره‌های امروزین غرب از پیامبر(ص) به صورت دفعی به وجود نیامده‌اند. سده‌هاست که غرب به عناوین مختلف و اهداف گوناگون، به تصویرپردازی از شخصیت پیامبر اسلام(ص) پرداخته است. نخستین هدفی که ذهنیت غرب را به این سمت سوق داد، دفاع از حقانیت دین مسیح بود. به هر حال، ظهور پیامبر اسلام(ص) مسیحیت را با چالش بزرگی روبه‌رو ساخت. به‌ویژه آنکه پذیرش الوهیت حضرت عیسی(ع) از سوی مسیحیت، فاصلهٔ آنها را با دین اسلام عمیق‌تر کرد. درواقع، پذیرش نبوت حضرت محمد(ص) بدین معنا بود که خداوند در تجسّد زمینی خود نتوانسته بشریت را نجات دهد و لذا پیامبری از جنس دیگر ابنای بشر برای هدایت انسان‌ها به زمین فرستاده است. پس از آن، جریان انگاره‌سازی از پیامبر(ص) به طور گسترده‌ای تداوم یافت و در لایه‌های زیرین، ویژگی زمانه را به نمایش گذاشت.

نخستین تصاویر مخابره شده از غرب در مطالعات محمدشناسی، تأثیر بسزایی داشته است؛ به‌طوری که انگارهٔ قرون وسطایی که با تعصب مذهبی عجین شده بود، سده‌ها در ذهنیت غرب رسوب یافت و تغییر جدی در آن ایجاد نشد (ر.ک. سیروسی، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر، پس از شناسایی منابعی که از نخستین روزهای ظهور اسلام تا قرن چهاردهم میلادی به موضع‌گیری دربارهٔ حضرت محمد(ص) پرداخته‌اند، انگاره‌های

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

غربیان از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) مورد بررسی قرار رفته است. نویسنده در پژوهشی جداگانه انگارهٔ عالمان مسیحی از ویژگی‌های فردی پیامبر(ص) را مطالعه کرده است.[۱] منظور از ویژگی فردی، خصلت‌هایی است که در نسبت فرد با خود شکل می‌پذیرد؛ درحالی‌که ویژگی اجتماعی در نسبت با جوامع یا محافلی که با آنها در ارتباط است، صورت می‌گیرد.

گفتنی است مقاله حاضر صرفاً بررسی تاریخی بوده و انگیزهٔ کلامی در آن دخالتی نداشته است. همچنین علل و عوامل انگاره‌سازی از پیامبر(ص) مد نظر نبوده، بلکه هدف از نگارش این مقاله علاوه بر معرفی انگاره‌های سوگیرانهٔ غربی، آشکار ساختن مبانی و ریشه‌های ذهنیت امروزین غرب نسبت به پیامبر(ص) است و در عین حال به بررسی این نکته پرداخته شده است که چه نسبتی بین متغیرهایی چون پیشینهٔ مذهبی، موقعیت اقلیمی و نشو و نمای عالم مسیحی و وابستگی سیاسی با این نوع انگاره‌سازی‌ها می‌توان یافت.

پیشینهٔ تحقیق

تاکنون در چندین اثر به مطالعه چهرهٔ پیامبر(ص) در غرب قرون وسطی پرداخته شده است. «فریستو» و «بلانک» (Blank & Frassetto, 1999)، ضمن بررسی مواضع نویسندگان اروپایی نسبت به اصل اسلام و اعتراف به تأثیر انکارناپذیر اسلام بر غرب، نیم‌نگاهی به مواضع این گروه از نویسندگان نسبت به پیامبر اسلام(ص) داشته‌اند.

دی سزاره (Di Cesare, 2012) طیف گسترده‌ای از سفرنامه‌ها، وقایع‌نامه‌ها، داستان‌ها، اشعار، تاریخ عرب‌ها، جغرافیا و رساله‌های کلامی در ارتباط با پیامبر(ص) را شناسایی کرده است. وی در گردآوری منابع دقت فراوانی داشته، اما از ارائهٔ تحلیل در مورد تصاویر ترسیم شده بازمانده است. در شناسایی منابع تحقیق مقالهٔ حاضر، از این اثر بهره گرفته شده و چون دی سزاره اطلاعات را به صورت نقل قول مستقیم آورده، منابعی که دسترسی به آن ناممکن بود، به کتاب مذکور ارجاع داده شده است. «کلینتون بنت» در کتاب *در جستجوی محمد* به ارائهٔ تصویر حضرت محمد(ص) در آثار غیرمسلمانان از آغاز پیدایش آن تا به امروز پرداخته است و در طرحی نوین، سعی کرده تا به تقابل این تصویر با آرای

۱ این مقاله در شماره ۴۰ فصلنامه «پژوهشهای تاریخی اسلام و ایران» به چاپ رسیده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

مسلمانان بپردازد. نویسنده با نگاهی جامع به ارائهٔ تصویری کلی از پیامبر پرداخته، اما به سبب استفاده از چند منبع تحقیقاتی و عدم رجوع به منابع اصلی، نتوانسته تصویری جامع از حضرت محمد(ص) ارائه دهد (Bennett,1992). «ساذرن» در کتابی با عنوان *دیدگاه غربیان از اسلام در قرون میانه*، مروری کوتاه بر نگرش‌های قرون میانهٔ غرب نسبت به اسلام با تمرکز بر مطالعات موردی داشته است. با توجه به اینکه سیره پیامبر(ص) از همان نخستین برخوردهای اسلام و غرب مورد توجه بوده، نویسنده برخی از انگاره‌های غرب نسبت به حضرت محمد(ص) را بیان کرده، اما در تفسیر چرایی تولید این انگاره‌ها در ابتدای قرون میانه، تنها بر جهالت و ناآگاهی نویسندگان تأکید کرده است (Southern,1962). «دیوید توماس» در مقاله‌ای با عنوان «محمد در روابط مسیحی-مسلمان قرون میانه»، به مروری کوتاه بر تغییر نگرش غرب در مورد پیامبر اسلام پرداخته است. نویسنده عصارهٔ تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب مسیحی را ارائه کرده، اما استفاده از چند منبع محدود تحقیقی و ارائهٔ گزینشی و مختصرگونه، سبب شده است تا بسیاری از موارد مغفول واقع شود (Thomas, 2014). «نورمن دنیل» در کتاب *اسلام و غرب*، به بررسی ملاحظات سیاسی و مذهبی دیدگاه غرب از اسلام و تعامل مسیحیان و مسلمانان از قرون وسطی تا دوره مدرن پرداخته و به تناسب موضوع، برخی از انگاره‌های غرب نسبت به پیامبر(ص) را آورده است (Daniel, 2009). «جان تولان» در کتاب خود با عنوان *دیدگاه مسیحیان قرون وسطی از اسلام*، نشان داد که مسیحیان قرون وسطی، اسلام را مجموعه‌ای از چالش‌های ناخوشایند نشان داده و با توجه به منافع و تعصبات خود، فرهنگ اسلام را با شیوه‌های مختلف تصویر کرده‌اند (Tolan, 2013).

آثاری که در زمینهٔ تصویر ارائه شده از پیامبر(ص) در غرب به زبان فارسی نگارش یافته‌اند، در عین ارزش و دقت فراوان، بر منابع محدود تمرکز داشته است. «مرتضی اسعدی» در کتاب *مطالعات اسلامی در غرب*، تنها سیر کلی مطالعات را مدّ نظر داشته و به ضرورت بحث، اطلاعاتی در مورد انگارهٔ برخی از عالمان مسیحی ارائه داده است (اسعدی، ۱۳۸۱). مهم‌ترین اثری که به یک نوع تطور انگارهٔ غربیان دست یافته، کتاب *محمد(ص) در اروپا: هزار سال اسطوره‌سازی در غرب* است، اما با وجود گسترهٔ موضوعی، مکانی و زمانی، بسیاری از منابع از دید نویسنده دور مانده است؛ به‌ویژه آنکه در بررسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

برخی از منابع، به ذکر آنها در پژوهش‌ها اکتفا شده است (صمیمی، ۱۳۸۲). همچنین به تازگی کتابی با عنوان *خاتم عشق* توسط «مجید پورطباطبایی» به نگارش درآمده، اما به دلیل آنکه نویسنده فقط به آثار دست دوم و تراجم رجوع کرده، بسیاری از منابع از دستور کار خارج شده است (پورطباطبایی، ۱۳۹۵). مجتبی مینوی در مقاله «اسلام از دریچهٔ چشم مسیحیان» به بررسی دیدگاه چند نفر از علمای مسیحی درباره اسلام پرداخته است (مینوی، ۱۳۷۵). عنوان مقاله نشان دهندهٔ بررسی کلیت مفهوم اسلام است، اما نویسنده بیشتر بر نظر مسیحیان در مورد پیامبر(ص) تأکید داشته است. دقت نظر نویسنده در بررسی آرا و نظریات مسیحیان و انتخاب هوشمندانهٔ نویسندگانی با دیدگاه متفاوت نسبت به پیامبر اسلام، از جمله نقاط قوت این مقاله می‌باشد. «مرتضی خلج اسعدی» نیز در مقاله‌ای با عنوان «یوحنای دمشقی و آغاز مجادلهٔ کلامی»، علت پیدایش مواضع کلامی مسیحیت نسبت به اسلام را مقابلهٔ قرآن با تثلیث دانست که به صورت بنیادی‌ترین اصل اعتقادی مسیحیان پیرو کلیسای روم درآمده بود (خلج اسعدی، ۱۳۷۵). بررسی پیشینهٔ مذکور نشان می‌دهد که محققانی با هدف‌های مختلف مطالعاتی، به اولین انگاره‌های ارائه شده از پیامبر(ص) در اروپای مسیحی پرداخته‌اند، اما هدف پژوهش حاضر را پوشش نمی‌دهند؛ زیرا از ارائهٔ یک تصویر جامع از پیامبر در سده‌های نخستین ظهور اسلام بازمانده‌اند. البته دی سزاره منابع کامل‌تری را مورد مطالعه قرار داده، اما تحلیلی دربارهٔ نوع تصویر ترسیم شده و سیر تطور آن ارائه نداده است.

مروری بر تطورات انگاره‌سازی عالمان مسیحی از ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) تا قرن چهاردهم میلادی

عالمان مسیحی در دو بُعد ویژگی فردی و اجتماعی، اختلالاتی را به پیامبر(ص) نسبت داده‌اند که در این مقاله سعی شده است ویژگی‌های اجتماعیِ ترسیم شده در انگارهٔ عالمان مسیحی که با جایگاه نبوت پیوستگی بیشتری داشت، بررسی شود. منظور از ویژگی اجتماعی، خصلت‌هایی در فرد است که در ارتباط با آحاد افراد اجتماع بروز می‌کند.

نویسندگان مسیحی علاوه بر انتساب شهوت بدون حدّ و حصر به پیامبر(ص) به عنوان خصلتی فردی، با قلب آیات و گزارش‌های تاریخی، پیامبر(ص) را متهم کردند که با تجویز

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

چندهمسری و تحقیر زنان، حس شهوانی را در قوانین خود نیز به نمایش گذاشت، اما این پژوهشگران توصیه‌های بسیار مهم قرآن بر فطرت و سرشت یکسان زن و مرد (نساء، ۱)، به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان و تأکید بر اولویت تک‌همسری (نساء، ۳) را به کلی در مطالعات خود نادیده گرفته‌اند. قائل شدن حق مالکیت برای زنان (نساء، ۳۲)، استقلال اقتصادی و اجبار مردان به پرداخت مهریه (نساء، ۴) و نفقه (طلاق، ۶،۳۴) در آیات قرآن مشهود است.

برداشت ناصواب و غیرمعمول از آیات قرآن مهم‌ترین گامی بود که مسیحیان از طریق آن، قانون پیامبر(ص) را شهوانی می‌دانستند. یوحنای دمشقی در عبارات وقیحانه‌ای، تمثیل زنان به کشتزار در آیه ۲۲۳ سوره بقره را ابزاری برای ارضای امیال شهوانی مردان برشمرده است (Daniel, 1972: 9). حال آنکه باید توجه داشت که هدف آیهٔ مذکور، بیان مختصات فیزیولوژیکی زن است. علاوه بر آن، عبارت ﴿وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ که در ادامهٔ آیه آمده و در آن، سه نوبت بر حساسیت دنیوی و اخروی رفتار با زنان تأکید شده، محذوف است. البته در تفاسیری که از این آیه شده، پیش فرستادن اعمال صالح و رعایت تقوای الهی، ناظر بر فرزندآوری دانسته شده است (طوسی، [بی‌تا]: ۲۲۴/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲/ ۲۱۳؛ القرطبی، ۱۴۰۵: ۹۳/۳)، اما با توجه به اینکه صدر آیه در مورد زنان بوده، احتمال بیشتری وجود دارد که این عباراتِ تأکیدی، دربارهٔ بی‌توجهی به امور زنان آمده است. «رامون مارتی»[1] این آیه را یک شاهدمثال برای توهین به مقام زن دانسته است (Martini, 57 in: Di Cesare, 2012: 286).

تجویز تعدّد زوجات در اسلام، زمینه‌ساز اتهامات فراوانی به پیامبر(ص) شد؛ درحالی‌که می‌بایست توجه کرد که جریان چندهمسری قبل از ظهور پیامبر اسلام در اجتماعات ابتدایی وجود داشته است و این امر به دلیل اشتغال مردان به جنگ و شکار بوده که زندگی مرد بیشتر در معرض خطر بود. با توجه به اینکه مردان بیشتر از زنان تلف می‌شدند، فزونی تعداد زنان بر مردان سبب می‌شد تا تعدّد زوجات رواج یابد (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۹۰). عرب دورهٔ جاهلی هیچ محدودیتی در تعدّد زوجات نداشت و هر فرد می‌توانست به تنهایی صدها زن داشته باشد (جوادعلی، ۱۹۷۶: ۵۴۷/۵). علاوه بر آن،

1 Raymond Martini

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

در قرآن تعدّد زوجات مشروط به برقراری عدالت بوده و در کمال صراحت اشاره شده است که اگر بیم دارید عدالت برقرار نکنید، پس یک همسر اختیار کنید (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۴۸). جرالد ولز[1] تعدد زوجات در اسلام را دلیل تمایل شهوانی برمی‌شمرد (Giraldus,1861: 70). الیور[2] نیز مدعی بود که پیامبر(ص) برای جذب پیروانش اجازه داد تا چهار همسر قانونی اختیار کنند (Scholasticus, 1948: 28 in: Di Cesare, 2012: 217). متیو پاریس[3] در عبارت وقیحانه‌ای چندهمسری را راه حلی برای افزایش ملت ساراسن[4] دانسته بود (Parisiensis, 1872: 3/355). هامبرت[5] بدون هیچ استنادی مدعی شده بود که زنان در قانون پیامبر(ص) از کمترین حقوق نیز محروم بودند (Gratius, 1690: 188).

نویسندگان مسیحی برای اثبات تأثیرپذیری پیامبر(ص) از یهود و مسیح، از راهبی یاد کرده‌اند که بر مبنای برخی روایات، در دورهٔ کودکی پیامبر(ص) وی را ملاقات کرده و از نبوت آن حضرت خبر داده است. در روایات دو نام «بحیرا» و «سرجیوس» برای راهب نقل شده است. احتمالاً بحیرا لقب راهب (واژه‌ای آرامی به معنای منتخب و برگزیده) بوده و سرجیوس (سرجیس) نام داشته است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۸۹/۱؛ حلبی شافعی، ۱۹۷۱: ۱۷۲/۱). تنها اطلاعی که می‌توان دربارهٔ راهب مذکور در منابع یافت، دیدار وی با حضرت محمد(ص) در سفر تجاری بوده است. علاوه بر آن، دربارهٔ دین بحیرا روایات مختلف است. در کهن‌ترین روایات بر نصرانی بودن وی تصریح شده است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱۱۶/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۳۷/۲؛ حلبی شافعی، همان، ۱۷۲/۱)؛ درحالی‌که برخی دیگر وی را یهودی دانسته‌اند (الدمشقی، ۱۴۰۷: ۲۴۴/۱؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۷۵/۱). همچنین در مورد سن پیامبر(ص) و چگونگی ملاقات آن حضرت با بحیرا اختلافاتی وجود دارد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۲۱/۱؛ الطبری، ۱۹۶۷: ۲۷۸/۲)؛ بنابراین روایات مذکور از درجهٔ اعتبار ساقط است و در دستهٔ روایات ساختگی جای می‌گیرد.

یوحنای دمشقی از حضرت محمد(ص) با عنوان پیامبر دروغین یاد کرده که در نتیجهٔ آشنایی با بحیرا راهب مرتد مسیحی، عهد قدیم و جدید را آموخت و براساس آن، دین

1 Gerald of Wales
2 Oliver of Paderborn
3 Matthew Paris
۴ اصطلاحی است که مسیحیان برای تحقیر عرب‌ها به کار می بردند (جمال رزمجو و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۳).
5 Humbert of Romans

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

خود را بنا کرد (Sahas, 1972: 73). «تئوفانس»[1] پیامبر(ص) را تاجری دانست که با سفر به مصر و فلسطین، توانست با یهودیان و مسیحیان ارتباط برقرار کرده و دین جدید خود را براساس تعالیم آنان پایه‌گذاری کند (Theophanes, 1982: 35). اولوجیوس[2] بر همراهی حضرت محمد(ص) با راهب مسیحی تأکید داشت (Eulogius,1955: 366 in: Di Cesare,2012: 18). «آناستاسیوس کتابدار» مدعی شده بود که پیامبر(ص) طی چندین سفر به فلسطین و مصر، با یهودیان و مسیحیان ارتباط برقرار کرد و توانست برخی از نسخه‌های کتاب مقدس را از آنان دریافت کند (Anastasius,1885: 2/209). لاندولفوس[3] بر این باور بود که حضرت محمد(ص) در سفرهای خود به مصر و فلسطین با مسیحیان ارتباط برقرار کرده بود و حتی نسخه‌ای از کتاب مقدس را به دست آورد (Sagax, 1913: 2/133). زیگبرت[4] مدعی بود که پیامبر(ص) ارتباط گسترده‌ای با یهودیان و مسیحیان داشت و به کمک آنان توانست کتاب خود را بنویسد (Pertz, 1844: 323). ویلیام مالمسبوری[5] بر آن بود که محمد(ص) برای وضع دین جدید از قوانین یهود و مسیح بهره گرفته است (Malmesbirensis, 173 in: Di Cesare, 2012: 81). «ویلیام تایر»[6] پیامبر(ص) را فردی می‌دانست که آموزه‌های دین خود را از مسیحیان دریافت کرد (Tyrensis, 106 in: ibid, 172). «پیتر ارجمند» گفته است محمد(ص) با کمک سرجیوس راهب مرتد، آموزه‌های دین اسلام را با تغییراتی در عهد عتیق و جدید بنیان کرد (Wibaldi, accedunt and others, 1854: 691). «ریچارد»، سرجیوس را راهب مرتدی معرفی کرد که به حضرت محمد(ص) آموزه‌های مسیح را تعلیم می‌داد و به همین دلیل از صومعه اخراج شد (Cluniacensis, 90 in: Di Cesare, 2012: 166). والتر بر وابستگی شدید حضرت محمد(ص) به راهب مرتد مسیحی و نقش او در وضع دین جدید تأکید می‌کرد (Blank, Frassetto,1999: 109). «جرالد ولز» در ادعایی بدون پشتوانه عنوان کرده است که محمد(ص) به مصر و فلسطین رفت و متون عهد عتیق و جدید را از یهود و مسیح فرا گرفت (Giraldus, 1861: 68). پطروس آلفونسی[7] علاوه بر سرجیوس، از دو یهودی به نام‌های عبیده و کعب‌الاحبار یاد

1 Theophanes
2 Eulogius of Cordoba
3 Landulf Sagax
4 Sigebert of Gembloux
5 William of malmesbury
6 William of tyre
7 Petrus Alfonsi

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

کرده که با پیامبر(ص) برای ساخت دین جدید، حماقت خود را پایان رساندند (Alfonsi, 2006: 152)، اما می‌بایست توجه داشت که کعب‌الاحبار در زمان عمربن‌خطاب ایمان آورد و با مسلمین ارتباط برقرار کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۹/۷؛ ابن‌اثیر، ۱۹۶۵: ۱۸۷/۴). نویسندهٔ کتاب *زندگانی محمد* بیان کرد که حضرت محمد(ص) در سفرهای تجاری به مصر و فلسطین، با یهود و مسیح ارتباط برقرار کرد (Vita Mahometi, 243 in: Di Cesare, 2012: 210). «آلن دو لیل»[1] بر مشترکات و تضادهای قرآن با انجیل و تورات تأکید کرده و عنوان کرده است که محمد(ص) در اموری چون یکتایی خداوند با یهود مشترک بود، اما با تثلیث و شراب مخالفت کرد (De Insulis, 331 in: ibid: 187). الیور مضامین قرآن را ترکیبی از قانون یهود و مسیح دانست که پیامبر(ص) آن را با شاگردی نزد سرجیوس راهب مرتد مسیحی فرا گرفت (Scholasticus, 298 in: ibid: 218). «رودریگو خیمنس ردا»[2] به ارتباط وسیع پیامبر(ص) با یهودیان تأکید داشت و در ادعایی بی‌سابقه آمنه را یهودی دانست (Derada,1999: 4/88). لوکاس[3] پیامبر(ص) را ساحر زیرکی معرفی کرد که به مصر و فلسطین سفر می‌کرد و با یهودیان و مسیحیان ارتباط داشت (Tudensis, 2003: 166). «راجر وندوار»[4] حضرت پیامبر(ص) را فردی تاجرپیشه می‌دانست که به مصر و فلسطین رفت و آمد می‌کرد و با یهودیان و مسیحیان ارتباط داشت (dewendover, coxe, 1842: 1/121). متیو پاریس بر تقلید قوانین پیامبر(ص) از عهد قدیم و جدید تأکید کرده است (Parisiensis,1872: 1/269). رامون مارتی برای اثبات تأثیرپذیری پیامبر(ص) از مسیح، بر سفرهای متعدد آن حضرت به مصر، فلسطین و حبشه تأکید داشت. در تئوری ساختگی وی، نجاشی پادشاه حبشه نقشی ویژه داشت؛ زیرا گنجینه‌ای از تعالیم مسیح به شاگردانش را گرد آورده بود و بعدها نیز به کیش اسلام درآمد (Martini, 2/177 in: Di Cesare, 2012: 305). «توماس آکویناس»[5] قانون حضرت محمد(ص) را مخلوطی از تعالیم عهد قدیم، جدید و اسطوره‌های کذب دانسته است (Aquinas,1878: 7). وینسنت[6] بیان کرد که راهب سرجیوس –راهب مذکور– عهد قدیم و جدید را به محمد(ص) آموزش

1 Alain de Lille
2 Rodrigo Jiménez de Rada
3 Lucas de Tuy
4 roger de wendover
5 Thomas Aquinas
6 Vincent of Beauvais

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

داده و قرآن با تکیه بر همین آموزه‌ها نوشته شد (Bellovacensis,1591:338).

بندیکت[1] أخذ معلومات قرآنی از عهد عتیق و جدید را تکرار کرده و آن را به واسطهٔ شاگردی نزد راهب سرجیوس دانست (Cerulli, 1949: 415). هامبرت با تأکید بر آموزه‌های مشترک یهود و اسلام نظیر توصیه به نماز، روزه و صدقه یادآور شد که محمد(ص) مفاهیم مذکور را از تورات برداشته است (Gratius, 1960: 188). «ژاک دو ویتری» بر آن بود که سرجیوس راهب مرتد، اسنادی از تعالیم یهود را در اختیار محمد(ص) گذاشته بود (De Vitriaco, 2008: 122). «ژاک دو واراجین»[2] بیان کرد که پیامبر(ص) علاقه شدیدی به سرجیوس داشت و با کمک او شالودهٔ یک دین جدید را پایه‌گذاری کرد (DeVoragine, 2012: 575). ویلیام اورنج[3] مدعی شد که پیامبر(ص) شاگرد راهب مرتد به نام سرجیوس بود و نمی‌خواست نام او را برملا کند (Alvernus, 49 in: Di Cesare, 2012: 252). «ویلیام» دومینیکن طرابلس نیز بر شاگردی پیامبر(ص) نزد راهب سرجیوس تأکید کرده است (William of Tripoli, 1992: 202).

تهمت فریب‌کاری گستردگی فراوانی در منابع دارد که بارزترین نمود آن در انتساب معجزات ساختگی به حضرت محمد(ص) بروز یافته است. این دسته از نویسندگان در ادعاهایی پوچ و واهی، منکر معجزات و کرامات پیامبر اسلام(ص) شدند. بیشترین تأکید نویسندگان بر زیر سؤال بردن نزول وحی به پیامبر(ص) بود و در قرون بعدی به کرات مورد توجه قرار گرفت. این گروه از نویسندگان با پیش‌فرض ساختگی بودن وحی، بر این امر تأکید کرده‌اند که حضرت محمد(ص) با ادعای دروغین مردم را فریب داد. آنها با دیدگاهی جزم‌اندیشانه و باورهای از پیش اتخاذ شده، با چنان قطعیتی از دروغین بودن نبوت پیامبر(ص) سخن گفته‌اند که گویی دیدگاهشان حقیقتی اثبات شده است و نیاز به بیّنه‌ای ندارد. یوحنای دمشقی بدون هیچ مستندی گفته است که موضوع نزول جبرئیل یک داستان دروغین است (Sahas, 1972: 71). نویسندگان پس از وی، همچنان بر تصورات نسنجیده و مبالغه‌آمیز خود اصرار ورزیده‌اند. اولوجیوس در مدعایی صرف، پیامبر(ص) را متهم کرد که با الهام از شیطان، بسیاری از مردم را فریفت (Eulogius, 383,

1 Benedictus de Alignano
2 Jacobus De Voragine
3 William of Auvergne

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

in: Di Cesare, 2012: 21). آناستاسیوس پیامبر(ص) را فریب‌کاری دانست که در عالم خیال، منظره‌ای از جبرئیل در نظر آورد و آن را همان فرشته‌ای دانست که بر انبیای پیشین نازل شده بود (Anastasius, 1885: 2/209). زیگبرت بدون هیچ استنادی، سخن گفتن پیامبر(ص) با جبرئیل را امری تخیلی دانسته است (Pertz, 1844: 323). پطروس آلفونسی به تقلید از پیشینیان، سخن گفتن پیامبر(ص) با جبرئیل را معجزه‌ای ساختگی برشمرده است (Alfonsi, 2006: 147). رودریگو در عبارتی وقیحانه، نزول جبرئیل بر حضرت محمد(ص) را ادعایی دانست که تنها افراد نادان آن را می‌پذیرند (Derada, 1999: 96).
ژاک دو واراجین نزول وحی را نوعی عوام‌فریبی برای پذیرش پیامبری بیان کرده است (DeVoragine, 2012: 575). نویسندگانی نیز بودند که ماجرای نزول وحی را در قالبی داستان‌وار و کاملاً تخیلی بیان کردند. وینسنت در داستانی موهوم و تخیّلی کودکانه مدعی شد که پیامبر(ص) کبوتری دست‌آموز داشت که بر روی شانهٔ وی می‌نشست و چنین به مردم وانمود می‌کرد که آن پرنده از طرف خدا بر او وحی می‌فرستد (Bellovacensis, 1591: 314). والتر در عبارت مشابهی بیان کرد که حضرت محمد(ص) با ترفندهایی چون تربیت کبوتر دست‌آموز، مدعی پیامبری شد (Blank, Frassetto, 1999: 6).

برخی نویسندگان با اذعان باور یهودیان به پیامبر موعود، در سخنانی بی‌اساس مدعی شدند که حضرت محمد(ص) با معرفی خود به عنوان مسیح به یهودیان، آنان را فریفت. این در حالی است که در عهد عتیق، بر نزول تورات در کوه سینا، نازل شدن انجیل در سعیر و نزول قرآن در کوه فاران اشاره شده است (عهد عتیق، تثنیه ۳۳:۱ـ۳)؛ به‌ویژه آنکه با بیان اقامت حضرت اسماعیل(ع) در سرزمین فاران که در عهد عتیق به آن پرداخته شده بود (همان، تکوین ۲۱:۲۰ـ۲۲)، شکی باقی نمی‌ماند که کوه فاران همان کوهی است که غار حرا در آن قرار داشته و قرآن در آنجا بر پیامبر(ص) نازل شده است. بنا بر همین استدلال بود که امام رضا(ع) در مناظره با رأس‌الجالوت یهودی، پیشگویی نبوت حضرت محمد(ص) را در تورات و انجیل ثابت کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱۶۵/۱). لاندولفوس در ادعایی واهی بیان کرد که حضرت محمد(ص) عبرانیان را با معرفی خود به عنوان مسیح فریفت (Sagax, 1913: 2/133). مالمسبوری، پیامبر(ع) را انسان فریب‌کاری خواند که ذهن یهود را با نشانه‌هایی منحرف کرد تا او را رسول بدانند (Malmesbury, 173 in: Di

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

(Cesare,2012: 81). این در حالی است که هیچ سخن دیگری در مورد این نشانه‌ها بیان نکرده است. جرالد ولز بر آن بود که پیامبر(ص) خود را همان مسیح مورد انتظار یهودیان معرفی کرد (Giraldus, 1861: 68).

برخی نویسندگان برای تکمیل پروژهٔ از پیش تعیین شدهٔ خود در ادعای معجزه‌سازی پیامبر(ص)، بر اطلاع پیامبر(ص) از آینده و امور پنهانی تأکید کردند. این در حالی است که اطلاع از غیب مختص حضرت محمد(ص) نبوده، بلکه یکی از معجزات حضرت عیسی(ع) این بود که از برخی امور پنهانی خبر می‌داد (ر.ک. آل عمران، ۴۹). بنابراین اگر اطلاع از غیب جزو معجزات محسوب نشود، در مورد حضرت عیسی(ع) نیز این امر صدق می‌کند. اتکای جان سویل[1] برای انتساب صفت حیله‌گری، روایت گم شدن شتر پیامبر(ص) و اطلاع وی از مکان آن است (Albarus, 197 in: ibid: 29). پیتر ارجمند بر پیشگویی‌های پیامبر(ص) دربارهٔ پیروزی بر دشمنان تأکید داشت که آن حضرت به وسیله آن سعی کرد تا حمایت مردم را جلب کند (Wibaldi, accedunt and others, 1854: 701). استناد دیگر نویسندگان در اطلاع از غیب، روایت تعارف گوشت از طرف زینب بنت حارث زن یهودی، به پیامبر(ص) و آگاهی او از سمی بودن آن است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۳۷/۲؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۸۲/۲؛ طبری، ۱۹۶۷: ۱۵/۳). گودفری[2] پیامبر(ص) را فریب‌کاری دانست که با ساخت معجزاتی چون سخن گفتن با گوشت سمی، افرادی را به دور خود جمع کرد (Viterbiensis, 427 in: ibid: 177). متیو نیز بر سخن گفتن با گوشت سمی تأکید داشت (Parisiensis, 1872: 3/350). ژاک دو ویتری معجزات پیامبر(ص) چون نزول جبرئیل و صحبت کردن با گوشت سمی را غیرعقلانی خواند (deVitriaco, 2008: 114).

نویسندهٔ کتاب *زندگی محمد* بر معجزاتی چون شفای دختر مریض، فراهم کردن آب در سفرهای نظامی و زنده کردن مردگان تأکید کرده و آن را ترفندی دانست که حضرت محمد(ص) به واسطهٔ آن مردم را مجاب کرد تا به او بپیوندند (Vita Mahometi: 244-245 in: Di Cesare, 212-213). حال آنکه نظیر همین معجزات به دیگر پیامبران الهی نیز نسبت داده شده بود و بدون هیچ دلیلی انتساب آن به حضرت محمد(ص) معجزهٔ ساختگی شمرده شده بود.

1 John of Seville
2 Godfrey of Viterbo

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

نویسندگان دیگری نیز بودند که در بیانی عام و بدون بیان مستندی خاص، قائل به ساخت معجزات الهی از سوی پیامبر(ص) شدند. درواقع، تمامی این نویسندگان با پیش‌فرض ساختگی بودن نبوت حضرت محمد(ص)، بدون هیچ استدلال و استناد قابل قبولی، هر آنچه را که به ذهنشان می‌رسید، بیان می‌کردند. ویلیام تایر در عبارتی جعلی بیان کرد که حضرت محمد(ص) با سخنانی فریب‌آمیز توانست مردم مناطق شرقی و به‌خصوص عربستان را به سمت خود جلب کند (Tyrensis, 106 in: Di Cesare, 2012: 172). لوکاس نیز در اظهار نظری ساختگی، معجزات حضرت محمد(ص) را چیزی به جز سحر ندانست (Tudensis, 2003: 237). ویلیام اورنج بر ادعای ساختگی بودن آیات قرآن بدون هیچ سند و مدرکی تأکید داشت (Alvernus, 49 in: Di Cesare, 2012: 251).

برخی از اسلام‌شناسان برای زیر سؤال بردن نبوت پیامبر اسلام(ص)، بر موضوعی دست گذاشتند که در دعوت تمامی انبیای پیشین وجود داشت. آنها مدعی شدند که محمد(ص) برای تحت انقیاد درآوردن پیروانش، آنان را با وعده‌های بهشت جسمانی ترغیب کرده و از عذاب‌های جهنم ترسانده است. باید توجه داشت که یکی از اهداف بعثت انبیا تبشیر و انذار بوده و تمامی پیامبران برای ایجاد انگیزه در مردم برای عمل به نیکی‌ها و پرهیز از مفاسد، آنها را از عذاب دوزخ ترسانده‌اند و به نعمت‌های بهشتی وعده داده‌اند، اما نکته‌ای که با غرض‌ورزی تمام مورد تأکید اسلام‌شناسان واقع شد، وجه جسمانی نعمت‌ها و عذاب‌های اخروی است. در پاسخ بدین مدعا می‌توان گفت در قرآن لذات روحی در مرتبهٔ بسیار بالاتری قرار دارند.[1] علاوه بر آن، به سبب اعتقاد به جسمانی بودن معاد، بیان نعمت‌ها و عذاب اخروی امری کاملاً عقلانی به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه در قرون بعدی نویسندگانی در غرب ظهور کردند که در مقام پاسخ به سخنان پیشینیان خود برآمدند. «هنری استاب» اسلام‌شناس قرن هفدهم، در انتقاد به سخن نویسندگان پیشین که توصیف بهشت جسمانی را مستمسکی برای تشویق مسلمانان می‌دانستند، آن را امری کاملاً عادی و منطقی برشمرده است. وی بیان کرد که اگر انسان حیات جاودانه داشته باشد و با همان جسم دنیوی محشور شود، طبیعتاً می‌بایست همان لذات و امیال دنیوی را داشته باشد (stubbe, 1911: 168).

---

۱ آل عمران، ۱۵؛ توبه، ۷۲؛ قیامت، ۲۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

برخی نویسندگان بدون توجه به فلسفهٔ تبشیر و انذار در آموزه‌های قرآنی، با پیش‌داوری به بیان نظراتی ساختگی پرداختند. ریچارد بر این باور تأکید داشت که حضرت محمد(ص) با وعده نعمت‌های جسمانی در بهشت چون نهرهای شیر، عسل و شراب مردمان را فریفت (Cluniacensis: 90 in: Di Cesare, 2012: 166). آلن حضرت محمد(ص) را فردی معرفی کرد که با وعدهٔ لذات جسمانی مردم را فریب داد (de Insulis: 331 in: ibid: 187). الیور بیان کرده است حضرت محمد(ص) به یارانش وعده می‌داد که اگر هر یک بتوانند فردی را در جنگ بکشند، به باغی وارد می‌شوند که رودخانه‌هایی از شیر و عسل در آن جاری است (Scholasticus, 298 in: ibid: 217). ژاک دو واراجین بر آن بود که پیامبر(ص) مردم را به بهشتی وعده می‌داد که ساکنان آن از گرما و سرما رنج نمی‌برند و از سه رودخانهٔ شیر، عسل و شراب تناول خواهند کرد (DeVoragine, 2012: 579). رامون مارتی بر آن بود که حضرت محمد(ص) توانست با وعدهٔ بهشت در جهان پس از مرگ، افراد نادان را به دور خود جمع کند (Martini: 30 in: Di Cesare, 2012: 284). توماس آکویناس، حضرت محمد(ص) را فردی فریب‌کار می‌دانست که اطرافیانش را با لذات نفسانی در جهان پس از مرگ فریفت (Aquinas, 1878: 7). بندیکت اسقف مارسی، توصیف جزئیات بهشت در قرآن، چون رودخانه‌هایی از شیر و عسل را راهکاری برای جذب مردم بیان کرد (Cerulli, 1949: 411). هامبرت نیز مدعی شده است که بهشت وعده‌داده شده در قرآن، تصویر بهشتی جسمانی است (Gratius, 1960: 188). ویلیام دومینیکن طرابلس، تصویر وجود درختان و روان بودن نهرهای شراب، شیر و عسل را حقه‌ای برای جذب پیرو دانست (William of Tripoli, 1992: 220). تی‌ماروس با تکرار تهمت حیله‌گری، بر آن بود که پیامبر(ص) ساراسن‌ها را به بهشتی وعده می‌داد که انواع میوه، چهار رودخانه شیر، عسل، شراب و آب در آن فراهم است (Thetmarus, 1851: 63). راجر وعدهٔ بهشت با رودخانه‌هایی از شراب و عسل را دلیلی برای حیله‌گری پیامبر(ص) برشمرد (de Wendover, coxe, 1842: 1/122). ویلیام اورنج نعمت‌های جسمانی بهشت را وعده‌های پوچی خواند که پیامبر(ص) مردم را به وسیله آن فریفت (Di. Alvernus: 54 in:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

255 Cesare, 2012:). ژاک دو ویتری[1] و تی‌ماروس بر موضوع همسران بهشتی در آیات قرآن متمرکز شده و از آن مستمسکی ساختند تا حضرت محمد(ص) را متهم به امور شهوانی کنند (De Vitriaco, 2008:140; Thetmarus, 1851: 63).

نسبت دزدی و پرخاشگری به پیامبر(ص)، دیگر اختلال اجتماعی بود که در منابع مسیحی بازتاب یافت. درحالی‌که در آیات قرآن بر آزادی دینی تصریح شده و پیروان یهود، مسیح و باورمندان به خداوند یگانه را اهل نجات معرفی کرده است (ر.ک. سورهٔ انسان، آیهٔ۳؛ سورهٔ کهف، آیهٔ ۲۹؛ سورهٔ آل عمران، آیات ۱۱۳–۱۱۵). علاوه بر آن، سیرهٔ عملی پیامبر(ص) در انعقاد پیمان‌های صلح و عدم تعرض با گروه‌های مختلف اهل کتاب و حتی مشرکان، حکایت از روحیهٔ صلح‌طلبی و ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد. پیمان ترک مخاصمهٔ ده ساله پیامبر(ص) با مشرکان مکه (صلح حدیبیه)، صلح با یهودیان یثرب (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۵۰۱/۱)، مسیحیان نجران (یعقوبی، [بی‌تا]: ۸۲/۲) و سایر پیمان‌ها نشانه‌هایی از تلاش پیامبر(ص) برای آشتی‌طلبی است. به‌ویژه آنکه در قرآن به مسلمانان سفارش شده است تا موقعی که دشمنان به پیمان ترک مخاصمه و عدم تعرض پایبند می‌باشند، پیمان آنها محترم است (آیهٔ توبه، سورهٔ ۴).

درواقع، نویسندگان مغرض مسیحی بر این امر تأکید داشتند که در آیات مختلفی از قرآن، مسلمانان به جنگ با مخالفان تشویق می‌شدند و کسانی که از جهاد روی برمی‌گرداندند، به شدت نکوهش می‌شدند. این دسته از نویسندگان، از این امر غفلت کردند که جهاد با مخالفان در قرآن، منحصر به امور دفاعی بوده و در مواردی صورت می‌گیرد که دشمن جنگ را آغاز کند و حملهٔ دشمن در آینده قطعی است (ر.ک. سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۹۰؛ سورهٔ مائده، آیهٔ ۲؛ سورهٔ نساء، آیهٔ ۷۵). درحالی‌که صلح و همزیستی، به صورت اصل و قاعدهٔ اساسی در اسلام مدّ نظر است و به هیچ دلیلی وابسته نیست (سورهٔ انفال، آیهٔ ۶۱؛ سورهٔ حجرات، آیهٔ ۴۹). به‌خصوص تأکید قرآن بر دو واژهٔ «صلح» و «سلم» فراوان است و مشتقات این دو واژه به اشکال مختلف و معانی گوناگون آمده است. لفظ سلم و مشتقات آن، در حدود ۱۳۳ آیه آمده، حال آنکه لفظ حرب فقط در ۶ آیه آمده است (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۲۶). لاندولفوس بدون توجه به اصول جنگ در اسلام، با

1 Jacobus de Vitriaco

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

بی‌شرمی تمام پیامبر(ص) را فردی بی‌رحم دانست که سعی داشت با نیروی شمشیر دین خود را بر مردم تحمیل کند (Sagax, 1913: 1/134). پطروس آلفونسی در عباراتی کاملاً جعلی پرخاشگری پیامبر(ص) را تا حدی دانست که در جنگی پس از شکستن دندان‌هایش، دستور داد تا کشتار وحشتناکی در میان سپاه دشمن انجام دهد (Alfonsi, 2006: 162). «ویلیام تایر» بر آن بود که حضرت محمد(ص) آموزه‌هایش را به زور و اجبار بر مردم تحمیل می‌کرد (Tyrensis, 106 in: Di Cesare,2012: 172). پیتر ارجمند بیان آیاتی درباره جنگ در قرآن را دلیل بر غیرالهی بودن قرآن دانسته و بر این باور بود که پیش از این، بر موسی و مسیح هم کتاب نازل شده بود، ولی در هیچ یک صحبتی از جنگ و خونریزی نبود (Wibaldi,accedunt and others,1854: 679). ویلیام اورنج بدون هیچ استنادی مدعی شد که پیامبر(ص) بسیاری از مخالفان یکتاپرستی را از دم تیغ گذراند (Alvernus, 50 in: Di Cesare, 2012: 253). رودریگو با اشتباه فاحش تاریخی مدعی شد که پیامبر(ص) در آرزوی فتح امپراتوری روم بود و با تلاش‌های بسیار توانست بر شام مسلط شود (De rada, 1999: 4/92). هامبرت پیامبر(ص) را فردی خشونت‌طلب دانست که به آزار و شکنجه مسیحیان می‌پرداخت (Gratius, 1960: 188). لوکاس مدعی شد که پیامبر(ص) به شام و بین‌النهرین حمله کرد و توانست آنجا را به تصرف خود درآورد (Tudensis, 2003: 169). ویلیام دومینیکن طرابلس، در مدعایی ساختگی عنوان کرده است که پیامبر(ص) به امپراتوری روم در زمان هراکلیوس حمله کرد و در نهایت با سپاه قدرتمند خود توانست او را شکست دهد و بر دمشق مسلط شود (William of Tripoli, 1992: 106). تی‌ماروس پیامبر(ص) را متهم کرد که برای اجبار ساراسن‌ها به جنگ با مسیحیان، به آنان وعده داد که در صورت کشته شدن در جنگ، نعمت‌های بهشتی نصیب آنها خواهد کرد (Thetmarus,1851: 65). رامون مارتی بدون هیچ استنادی مدعی شد که حضرت محمد(ص) مخالفان خود را بدون توجیه خاصی از سر راه برمی‌داشت (Martini: 434 in: Di Cesare, 2012: 297).

برخی از اسلام‌شناسان که پیامبر اسلام(ص) را منادی جنگ و خونریزی معرفی کردند، بر پاداش‌های بهشتی مجاهدان مسلمان در قرآن تأکید داشتند. درحالی‌که (همان‌طور که گفته شد) در قرآن، تنها دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که با مسلمانان

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

می‌جنگند، صادر شده و بالطبع تنها مجاهدانی که به دفاع از مرزهای اسلامی می‌پردازند، می بایست توقع پاداش اخروی داشته باشند. آناستاسیوس کتابدار[1] در نسبت خشونت‌طلبی به پیامبر(ص) عنوان کرد که محمد(ص) یارانش را در صورت کشته شدن در جنگ، به بهشتی همراه با لذات جسمانی وعده می‌داد (Anastasius,1885: 2/209). تئوفانس مدعی شد که حضرت محمد(ص) برای ترغیب سپاهیانش به جنگ، به آنان وعده داد که در صورت کشته شدن در جنگ به بهشت وارد خواهند شد (Theophanes, 1982: 35). زیگبرت قولی از پیامبر(ص) به یارانش آورد که اگر در جنگی کشته شوند، به بهشتی پر از مواد غذایی و لذات جسمانی وارد خواهند شد (Pertz, 1844: 323). راجر وعدهٔ بهشت جسمانی با رودخانه‌هایی پر از شیر و عسل را دلیل حس جنگ‌طلبی حضرت محمد(ص) دانست (deWendover, coxe, 1842: 1/123). نویسندهٔ کتاب *زندگانی محمد* مدعی شد که پیامبر(ص) به یارانش مژده می‌داد که اگر در صحنهٔ نبرد با مسیحیان کشته شوند، به بهشتی با انواع لذات جسمانی وارد خواهند شد (Vita Mahometi, 244-5 in: Di Cesare, 212-3).

تعرض مسلمانان به کاروان‌های قریش در ابتدای حضور مدینه، بهانه‌ای به دست نویسندگان غربی داد تا با تکیه بر آن پیامبر(ص) را به نسبت‌هایی چون دزدی و غارتگری متصف سازند. البته باید توجه داشت که در هیچ یک از این حملات، غنیمتی عاید مسلمانان نشد و تنها هدف پیامبر(ص) ناامن نشان دادن جادهٔ تجاری مکه به شام بود که شاهرگ اقتصادی اشراف قریش به شمار می‌رفت. تنها در سریهٔ عبدالله‌بن حجش با تخلف از دستور پیامبر(ص) غنایمی به دست آمد که به دستور آن حضرت مورد استفاده قرار نگرفت (ر.ک. ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۶۰۴/۱؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۷/۲؛ طبری، ۱۹۶۷: ۴۱۵/۲). «ژاک دو ویتری» پیامبر(ص) را فردی سارق توصیف کرد که توانست اطرافیانش را برای غارتگری بسیج کند (DeVitriaco, 2008: 110). وی مدعی شد حضرت محمد(ص) به شام و بین‌النهرین حمله کرد و بسیاری را از دم تیغ گذراند. خطای آشکار ویتری نشان می‌دهد که اطلاعات وی از حوادث تاریخی کاملاً مخدوش بوده و یا از سر عناد به بیان مطالبی پرداخته که هیچ پایه و اساسی ندارد (ibid,131).

1 Anastasius Bibliothecarius

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

گودفری نیز بر غارت اموال کاروانیان قریش توسط پیامبر(ص) تأکید داشت (Viterbiensis: 417 in: Di Cesare, 2012: 174). الیور، پیامبر(ص) را فردی توصیف کرد که علاقهٔ بسیاری به جنگ داشت و سعی می‌کرد با تهدید ملت‌ها به فتح سرزمین‌های اطراف بپردازد (Scholasticus, 203 in: Di Cesare, 2012: 216). متیو پاریس عنوان کرد که حضرت محمد(ص) دزدان و راهزنان را گرد خود جمع و اموال بازرگانان را غارت می‌کرد (Parisiensis, 1872: 1/272). وینسنت در اظهار نظری وقیحانه حضرت محمد(ص) را فردی برشمرد که تعدادی از مردمان فراری و دزد را دور خود جمع کرد و به غارت کاروان‌های تجاری پرداخت (Bellovacensis, 1591: 314).

بررسی اطلاعات فردی نویسندگان

قرن هشتم میلادی مصادف با دوره‌ای از تاریخ اسلام است که فتوحات به حد قابل توجهی گسترش یافته بود. حاکمیت اسلام بر بخش مهمی از آسیا و آفریقا تثبیت شد و مسلمانان در آستانهٔ ورود به اروپا قرار گرفته بودند. در این قرن عالمان مسیحی منطقهٔ بین‌النهرین، شامات و فلسطین که پس از گیجی و سردرگمی ناشی از فتوحات برق‌آسای مسلمین، خود را بازیافته بودند، مقابلهٔ نظری با اسلام را آغاز کردند.

در میان شخصیت‌های شاخص این قرن، می‌توان از یوحنای دمشقی (۶۴۵-۷۵۰م) نام برد. وی از آخرین آبای کلیسای شرق بود که سبب تحولاتی در الهیات کلیسا شد. یوحنا ابتدا در دربار خلافت اسلامی موقعیت ویژه‌ای داشت، اما پس از مخالفت خلیفه عبدالملک (۶۸۵—۷۰۵م) با مسیحیان، از مقام خود برکنار شد. پس از آن بود که به صومعه‌ای در اورشلیم رفت و رهبانیت اختیار کرد. بیانیهٔ وی در مورد تمثال‌پرستی، با مخالفت شدیدی روبه‌رو شد و شورای کلیسا وی را ملعون خواند، اما پس از تصویب تمثال‌پرستی از سوی شورای دوم «نیقیه»، لقب «معلم کلیسا» را دریافت کرد. در این زمان، نزاع‌های عقیدتی میان اسلام و مسیحیت بالا گرفت و یوحنا در آن نقش بسزایی داشت (Kotter, 2002: 11/951).

دیگر شخصیت تأثیرگذار این قرن، تئوفانس (۷۵۲-۸۱۸م) تاریخ‌نگار، راهب و قدیس مسیحی بیزانسی بود که در قسطنطنیه متولد شد. وی عضو انجمن آریستوکرات

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

بیزانس بود و به دلیل مخالفت با تمثال‌شکنی، به دستور امپراتور لئو پنجم زندانی شد (Charanis, 2002: 13/929).

پیشرفت اولیهٔ مسلمانان در اندلس و فتح شبه‌جزیره ایبری در سال ۹۲ق/ ۷۱۱م، سبب شد تا مسیحیان در برابر مهاجمان تازه‌وارد به واکنش برخیزند. علاوه بر مبارزه در نبردهای نظامی، انجمن‌های کلیسایی به تشویق نویسندگان برای مبارزه با آرای مسلمانان برخاستند. پس از توقف پیشروی مسلمانان در شهر تور که به دنبال پیروزی شارل مارتل روی داد، نخستین ارتباط دائمی دنیای غرب و مسلمانان پدید آمد.

مهم‌ترین چهرهٔ تأثیرگذار در قرن نهم «اولوجیوس» (متوفای ۸۵۹م) راهب اهل کوردوبا بود که الهیات مسیحی را نزد علمای زمان خود فرا گرفت. وی در کوردوبا که تحت سلطهٔ مسلمانان بود، به عنوان کشیش خدمت می‌کرد و در زمان عبدالرحمن دوم، رهبری جنبش شهادت‌طلبی را برعهده داشت. وی پیروانش را تشویق می‌کرد که به پیامبر(ص) ناسزا بگویند تا خداوند بعد از مرگ به آنان پاداش بهشت دهد (Wreglesworth, 2002: 11/43). اولوجیوس در یادبودی که برای تکریم و تجلیل شهدا نوشت، برخی از این اتهامات را آورده است. دیگر نویسنده قرن نهم، آناستاسیوس کتابدار (۸۱۰–۸۷۸م)، کاردینال مارسلو، در رم بود. وی از مدافعان مقام پاپ به شمار می‌رفت و مقامات رسمی متعددی در کلیسا برعهده داشت. برای مدتی کشیش کلیسای رم بود و در زمان رهبری پاپ نیکلاس (۸۵۸–۸۶۷م)، راهب بزرگ کلیسای «سانتا ماریا» در «تیبر» شد. پس از آن، مقام ریاست آرشیو کلیسای روم را برعهده گرفت (Kirsch, 2002: 1/389).

در قرن دهم و یازدهم، با شروع جنگ‌های تجزیه‌طلبی در غرب، موضع‌گیری نسبت به پیامبر(ص) کاهش یافت. تنها اثر یافت‌شده در این قرن، *تاریخ روم* است. این کتاب اثری دنباله‌دار است که «پاول دیکون» آن را نوشت و لاندولفوس دنبال کرد. زیگبرت (۱۰۳۰–۱۰۷۰م)، مورخ و شرح‌حال‌نویس قرن یازدهم، از کودکی وارد صومعه ژامبلو (شهری در بلژیک کنونی) شد. وی تحت تعلیم آلبرت راهب بزرگ قرار گرفت و پس از آن، به مدت بیست سال به متز (شهری در فرانسه) رفت و الهیات مسیحی تدریس کرد (Williams, 2002: 13/111).

از قرن دوازدهم میلادی که عصر گذار به دورهٔ جدید آغاز شد، نویسندگان بیشتری به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

موضع‌گیری دربارهٔ حضرت محمد(ص) پرداختند. در آغاز قرن یازدهم، وایکینگ‌ها و اسلاوها مسیحیت را پذیرفتند و توجه غرب مسیحی به سوی مسلمانان جلب شد. در اواخر قرن یازدهم میلادی، مجلسی در شهر «کلرمون» فرانسه برگزار شد و پس از مذاکرات طولانی، پاپ اوربان دستور حملهٔ مسیحیان برای آزادی اورشلیم را صادر کرد (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۳۴: ۱۶/۱). در این زمان بود که پیتر ارجمند، نهمین راهب دیر کلونی، سفارش ترجمهٔ قرآن به لاتین را داد. این ترجمه که با سوگیری و کینه‌توزی نوشته شده بود، مرجع آثار بعدی قرار گرفت. پیتر ارجمند (۱۰۹۲-۱۱۵۶م) مهم‌ترین نویسندهٔ قرون وسطی و اهل «اوورنی» فرانسه بود که علیه پیامبر(ص) موضع‌گیری کرد. وی از دورهٔ نوجوانی وارد صومعه شد و در بیست سالگی به مقام استادی رسید. پیتر سفری طولانی به اسپانیا برای تحصیل در مطالعات اسلامی داشت و اولین نسخهٔ لاتین قرآن را در آنجا منتشر کرد (Edwards, 2002: 11/207). طروس آلفونسی پزشک، نویسنده، ستاره‌شناس و متکلّم قرن دوازدهم میلادی است که در اسپانیا متولد شد. وی ابتدا بر دیانت یهود بود، ولی در سال ۱۱۰۶م. مسیحی شد. خانواده وی ارتباط نزدیکی با خاندان سلطنت داشت؛ به‌طوری که آلفونسوی یکم پادشاه آراگون، نامش را از او گرفت. پس از آن، در سال ۱۱۱۶م. به انگلستان و فرانسه سفرهایی داشت (Kohut, 1901: 1/377). ویلیام تایر (۱۱۳۰-۱۱۸۷ م) مورخ و دیپلمات برجسته در اورشلیم متولد شد. وی در پانزده سالگی به پاریس رفت و مدت بیست سال به تحصیل در رشته‌های قانون مدنی، هنر و الهیات پرداخت. ویلیام چندین مأموریت سیاسی به قسطنطنیه و رم انجام داد و برای مدتی صدراعظم اورشلیم شد (gallucci, 1096: 945).

ویلیام (۱۰۹۰-۱۱۴۳ م) راهب مقدس، محقق و مورخ برجستهٔ بریتانیایی بود که بین سالهای ۱۰۹۰-۱۰۹۵م. متولد شد. وی از همان عنفوان جوانی به عنوان راهب در ایالت «مالمسبوری» خدمت می‌کرد و بعدها سمت کتابداری صومعه را به دست آورد (farmer, 2002: 14/743). «جان سویل» دیگر نویسندهٔ قرن دوازدهم میلادی و اهل تولدو بود که بین سال‌های ۱۱۳۵ و ۱۱۵۳ م. زندگی می‌کرد. وی از قدیمی‌ترین مترجمان زبان عربی به شمار می‌رفت (Wreglesworth, 2002: 11/43).

جرالد ولز (۱۱۴۷/۱۱۴۸- ۱۲۲۳ م) معاون اسقف، مورخ و نویسندهٔ پرکار

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

بریتانیایی، از دیگر عالمان مسیحی بود که به موضع‌گیری در مورد حضرت محمد(ص) پرداخت. پدر وی عضو خانوادهٔ سلطنتی ولز بود. وی مدتی در پاریس به تحصیل در رشتهٔ قانون، الهیات و هنر پرداخت و پس از آن به عنوان مبلّغ جنگ صلیبی فعالیت می‌کرد (Corbett, 2002: 6/231).

گودفری (۱۱۲۰-۱۱۹۶ م) مورخ و شاعر ایتالیایی، کشیش دربار در دورهٔ حکومت باربروس و هنری ششم، از دیگر چهره‌های شاخص قرون وسطی بود که برای مدتی در دورهٔ کنراد دوم و فردریک باربروسا، منصب قاضی‌عسکر را داشت (Dillon, 1383: 1/339). ریچارد (متوفای ۱۱۴۷م)[1] راهب فرانسوی و اهل پوآتیه، دیگر نویسندهٔ قرون وسطی بود که در اثرش با عنوان *وقایع‌نامه جهانی*، شرح حالی از حضرت محمد(ص) آورده است.

«والتر»[2] شاعر فرانسوی و راهب صومعه‌ای در تور (شهری در فرانسه)، اولین نویسندهٔ مسیحی بود که در نیمهٔ اول قرن دوازدهم، اثری اختصاصی در مورد حضرت محمد(ص) نوشت. وی قصیده‌ای با موضوع زندگانی حضرت محمد(ص) سرود و اطلاعاتش را از شوالیه‌ای فرانسوی که در اولین جنگ صلیبی شرکت کرده بود، دریافت کرد (Raby, 1934: 2/82-83). «آلن دو لیل» (۱۱۲۸-۱۲۰۲م) عارف، متکلّم و شاعر فرانسوی، از نویسندگان قرن دوازدهم بود. وی سال‌های بسیاری را مشغول تدریس کلام بود و در سال ۱۱۷۹م. وارد «شورای لاتران» شد (Chalmers,1812: 1/287).

از قرن سیزدهم شمار نویسندگان افزایش قابل توجهی یافت. ژاک دو ویتری (۱۱۸۰-۱۲۴۰م) مورخ و واعظ جنگ‌های صلیبی، برای مدتی در پاریس الهیات مسیحی را فرا گرفت. وی به عنوان کشیش، تحت نظر حاکمیت فعالیت می‌کرد و این سِمَت را تا سال ۱۲۱۶م. و انتخابش به عنوان اسقف حفظ کرد (Mcdonnell, 2002: 7/693). الیور (متوفای ۱۲۲۷م) در جنگ‌های صلیبی حضور فعالی داشت و به عنوان اسقف شهر «پادربورن» انتخاب شد. «لوکاس دو توی» (متوفای ۱۲۴۹م)، اسقف و وقایع‌نامه‌نویس اهل توی (شهری در اسپانیا)، سفرهای فراوانی به بیت‌المقدس، رم، قسطنطنیه، قبرس، ارمنستان و فرانسه داشت (Robinson, 1978: 14). «راجر وندوار» (متوفای ۱۲۳۶م)

1 Richard of Poitiers
2 walter of Compiegne

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

وقایع‌نامه‌نگار و راهب «سنت آلبنز» (شهری در بریتانیا)، در اثرش شرح حالی از حضرت محمد(ص) آورده است (fuller, 1811: 1/141). وینسنت (متوفای ۱۲۶۴م) راهب دومینیکن و نظریه‌پرداز، در شهر بووه فرانسه زندگی می‌کرد. متیو پاریس (۱۲۰۰-۱۲۵۹م) راهب بندیکت و بزرگ‌ترین وقایع‌نامه‌نویس قرن سیزدهم، برای مدتی مقام کتابت را در صومعهٔ سنت آلبنز (ناحیه‌ای در بریتانیا) برعهده داشت (farmer, 2002: 9/360). ژاک دو واراجین اسقف اعظم جنوا، وقایع‌نامه‌نگار و شرح‌حال‌نویس ایتالیایی، از آغاز جوانی وارد حزب دومینیکن شد. مدارج دینی را به سرعت گذراند و در سال ۱۲۴۴ م. ریاست صومعه کومو (شهری در ایتالیا) را برعهده گرفت (Ott, 1913: 8/262). رامون مارتی (متوفای ۱۲۸۵م)، نظریه‌پرداز دومینیکن، متکلّم و شرق‌شناس قرن سیزدهم بود که رساله‌های متعددی علیه مسلمانان نوشت. وی در دانشکدهٔ مطالعات عربی تونس و دانشکده مطالعات عبری اسپانیا به تحصیل پرداخت و مشاور لوئی چهارم در جنگ صلیبی نیز بود (Mulhern, 2002: 11/924). توماس آکویناس (۱۲۲۵-۱۲۷۴ م) راهب فرقهٔ دومینیکن، دین‌شناس ایتالیایی، معلم کلیسا و مدافع مدارس کاتولیک، از دیگر نویسندگانی بود که در دفاع از دین مسیحیت، به نگارش آثاری دست زد و مدتی در پاریس به تحصیل در رشتهٔ الهیات مسیحی پرداخت (Wallace, 2002: 14/13).

بندیکت (متوفای ۱۲۶۸م)، راهب فرقهٔ فرانسیسکن و اسقف مارسی (شهری در فرانسه)، در جنگ‌های صلیبی حضور فعالی داشت و چندین بار به رم سفر کرد. نویسندهٔ دیگری که در دفاع از آیین مسیحیت به نگارش تألیفاتی پرداخت، هامبرت (۱۲۰۰-۱۲۷۷ م) رئیس فرقهٔ دومینیکن، حقوق‌دان و استاد هنر در دانشگاه پاریس بود. وی بیشتر از ده سال به عنوان متألّه در صومعهٔ دومینیکن مشغول به کار بود و گزارشی از شورای دوم لیون را جمع‌آوری کرد (Lozier, 2002: 7/198). ویلیام اورنج (۱۱۸۰/۹۰-۱۲۴۹م) دیگر متکلّم بنام مسیحی بود که کتابی با عنوان *رساله‌ای در ایمان و سرپیچی امت‌ها* به نگارش درآورد و در آن حضرت محمد(ص) را به عنوان پیامبر دروغین معرفی کرد. وی استاد رشتهٔ الهیات بود و بیشتر از بیست سال سِمَت اسقف پاریس را داشت (o'donnell, 2003: 14/736).

«رودریگو خیمنس ردا» (۱۱۷۱-۱۲۴۷م) اسقف اعظم تولدو و صدر اعظم کاستیل، در جنگ‌های صلیبی شرکت فعالی داشت و نقشی کلیدی در جنگ علیه موحّدان داشت (de

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

(Rada, 2002: 14/882)ویلیام (۱۲۲۰–۱۲۷۳م) نویسنده و مبلّغ فرقه دومینیکن و اسقف اعظم صور، در طرابلس متولد شد. وی سفیر لوئی نهم به دربار خان مغول بود و به درخواست پاپ گریگوری دهم، منابع عربی متعددی در مورد حضرت محمد(ص) و قوانین او گرد آورد (Hinnebusch, 2002: 14/754). در نیمهٔ این قرن، کتابی با عنوان *زندگانی محمد* در حوزهٔ اسپانیا به نگارش درآمد که نویسنده آن ناشناخته بوده و محور اصلی آن، ساختگی بودن معجزات منسوب به حضرت محمد (ص) است. «تی‌ماروس» راهب آلمانی قرن دوازدهم، در شرح سفر خود به مکان‌های مقدس و ذیل بحث شهر مکه، از پیامبر(ص) سخن گفته است.

اطلاعات فردی					ویژگی اجتماعی منتسب به پیامبر(ص)				
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	تخصص	ساخت قانون شهوانی	تأثیرپذیری از یهود و مسیح	فریب‌کار	خشونت‌طلب	غارت‌گر
یوحنای دمشقی	۷۴۹– ۷۷۶م.	شام	خدمتکار خلیفهٔ دمشق، راهب اورشلیم	الهیات	*	*	*		
تئوفانس	۷۵۰–۸۱۷م.	قسطنطنیه– بیزانس	راهب و عضو انجمن آریستوکرات بیزانس	الهیات، تاریخ		*		*	
اولوجیوس (کوردوبا)	متوفای۸۵۹م.	کوردوبا– اندلس	کشیش و اسقف کوردوبا	الهیات		*	*		
آناستاسیوس کتابدار	۸۱۰–۸۷۸م.	رم– ایتالیا	کاردینال مارسلو، راهب سانتا ماریا، دبیر پاپ، رئیس آرشیو کلیسای روم	الهیات، تاریخ		*	*	*	
لاندولفوس	قرن دهم	رم– ایتالیا	–	تاریخ		*	*	*	
زیگبرت	۱۰۳۰– ۱۱۱۲م.	قلمرو سلسله کاپسین	معلم صومعه، نویسندهٔ مدافع	تاریخ، الهیات		*	*	*	

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

اطلاعات فردی					ویژگی اجتماعی منتسب به پیامبر(ص)				
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	تخصص	ساخت قانون	تأثیرپذیری از یهود و	فریب‌کار	خشونت‌طلب	غارت‌گر
		(بلژیک کنونی)، سفر به قلمرو سلسلهٔ کاپسین	امپراتور						
ویلیام مالمسبوری	۱۰۹۵–۱۱۴۳م.	انگلیس	راهب، کتابدار صومعه	تاریخ، الهیات		*	*		
پیتر مقدس	۱۰۹۲–۱۱۵۶م.	قلمرو سلسله کاپسین، سفر به اندلس	راهب و رهبر مذهبی	الهیات، تاریخ		*	*	*	
پطروس آلفونسی	۱۰۶۲–۱۱۴۰م.	اندلس، سفر به انگلیس قلمرو سلسله کاپسین	ارتباط نزدیک با خاندان سلطنتی	پزشکی، نجوم، الهیات		*	*	*	
ویلیام تایر	۱۱۳۰–۱۱۸۷م.	اورشلیم، سفر به قلمرو سلسله کاپسین، قسطنطنیه و روم	دیپلمات، صدراعظم اورشلیم	الهیات، تاریخ، قانون و هنر		*	*	*	
جان سویل	۱۱۳۵–۱۱۵۳م.	کوردوبا	دوست پاول آلباروس، راهب صومعه	ترجمه			*		
جرالد ولز	۱۱۴۷ / ۱۱۴۸–۱۲۲۳م.	انگلیس، سفر به قلمرو سلسلهٔ کاپسین	دفتردار سلطنت و قاضی‌عسگر	الهیات، تاریخ	*	*	*		
گودفری ویتربو	۱۱۲۰–۱۱۹۶م.	رم–ایتالیا	کشیش دربار، قاضی‌عسگر	شعر، تاریخ، الهیات			*	*	*
ریچارد پواتیه	متوفای ۱۱۴۷م.	قلمرو سلسلهٔ کاپسین، سرزمین گل	راهب صومعه	تاریخ، الهیات، شاعر		*	*		
والتر	نیمهٔ قرن دوازدهم	قلمرو سلسلهٔ کاپسین	راهب	شعر، الهیات		*	*		
آلن دو لیل	۱۱۲۸–	قلمرو سلسلهٔ	راهب	الهیات،		*	*		

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

اطلاعات فردی					ویژگی اجتماعی منتسب به پیامبر(ص)					
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	تخصص	ساخت قانون	تأثیرپذیری از یهود و	فریب کار	خشونت‌طلب	غارت‌گر
	۱۲۰۲م.	کاپسین		شعر					
ژاک دو ویتری	۱۱۸۰–۱۲۴۰م.	قلمرو سلسله کاپسین	اسقف	الهیات، تاریخ	*	*	*	*	*
الیور	متوفای ۱۲۲۷م.	امپراتوری روم ژرمن	کشیش	تاریخ، الهیات	*	*	*	*	*
لوکاس دو توی	متوفای ۱۲۴۹م.	اندلس– سفر به بیت‌المقدس رم و قلمرو سلسلهٔ کاپسین	اسقف توی	تاریخ، الهیات		*	*		
راجر وندارور	متوفای۱۲۳۶م.	سنت آلبنز– بریتانیا	راهب سنت آلبنز	تاریخ، الهیات		*	*	*	
وینسنت	متوفای۱۲۶۴م.	قلمرو سلسلهٔ کاپسین	راهب دومینیکن	تاریخ، الهیات		*	*	*	*
متیو پاریس	۱۲۰۰–۱۲۵۹م.	سنت آلبنز– بریتانیا	راهب	تاریخ، الهیات	*	*	*		*
ژاک دو واراجین	۱۲۱۶–۱۲۲۳م.	جنوا– ایتالیا	اسقف اعظم جنوا	تاریخ، الهیات		*	*	*	
رامون مارتی	متوفای ۱۲۸۵م.	تولدو – اندلس	راهب دومینیکن	الهیات	*	*	*	*	
توماس آکوییناس	۱۲۲۵–۱۲۷۴ م.	آکوینو– ایتالیا، سفر به قلمرو سلسله کاپسین	راهب دومینیکن	الهیات		*	*	*	
بندیکت	متوفای۱۲۶۸م.	قلمرو سلسله کاسپین (مارسی)، سفر به بیت‌المقدس	اسقف مارسی	الهیات		*	*		
هامبرت	۱۲۰۰–۱۲۷۷ م.	اندلس، اقامت در توسکانی– ایتالیا	رئیس صومعهٔ ایالت توسکانی	الهیات	*	*	*	*	
ویلیام اورنج	۱۱۸۰/۹۰– ۱۲۴۹ م.	قلمرو سلسله کاپسین	اسقف	الهیات		*	*	*	

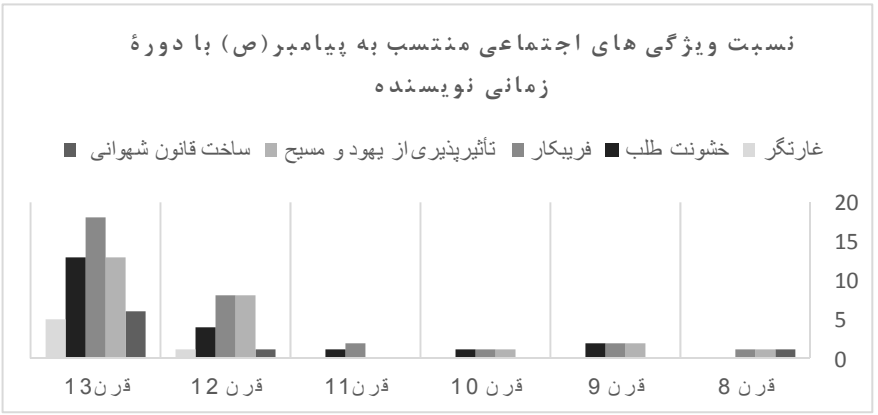
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

اطلاعات فردی					ویژگی اجتماعی منتسب به پیامبر(ص)				
نام نویسنده	دوره زمانی	محل فعالیت	وابستگی به قدرت	تخصص	ساخت قانون	تأثیرپذیری از یهود و	فریب‌کار	خشونت‌طلب	غارتگر
رودریگو خیمنس ردا	۱۱۷۱-۱۲۴۷ م.	اندلس، سفر به قلمرو سلسله کاپسین	اسقف صدر اعظم کاستیل	الهیات، تاریخ		*	*	*	
ویلیام (طرابلس)	۱۲۲۰-۱۲۷۳ م.	طرابلس، اقامت در صور	راهب و مبلّغ دومینیکن	الهیات		*	*	*	*
ناشناخته	قرن سیزدهم	قلمرو اندلس	-	تاریخ		*	*	*	
تی‌ماروس	نیمهٔ اول قرن سیزدهم	امپراتوری روم ژرمن	راهب	تاریخ، الهیات	*		*	*	

تحلیل داده‌ها

۱. دورهٔ زمانی

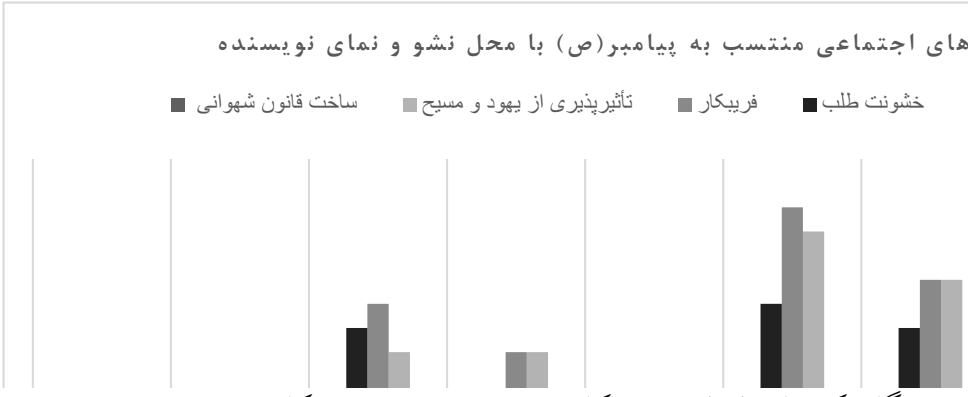


دربارهٔ ویژگی‌های اجتماعی، مواردی چون اختلالات رفتاری فریب‌کاری، تأثیرپذیری از یهود و مسیح، ساخت قانون شهوانی و خشونت‌طلبی به پیامبر(ص) انتساب داده شده است. در بین خصایل مذکور، فریب‌کاری بیشترین فراوانی را داشت. بیشتر منابع برای نسبت مکاری پیامبر(ص)، به ردّ معجزات و کرامات آن حضرت و تمسخر نعمت‌های بهشتی در قرآن پرداختند. فراوانی موضع یاد شده در منابع، ۳۲ مورد بود که در قرن هشتم

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

و دهم ۱ مورد، قرن نهم و یازدهم ۲ مورد، قرن دوازدهم ۸ مورد و قرن سیزدهم ۱۸ مورد یافت شد. اتهام تقلیدی بودن آموزه‌های قرآنی و تأثیرپذیری پیامبر(ص) از یهود و مسیح، در مرتبهٔ دوم قرار داشت. تعداد گزاره‌های مربوط به این موضوع، ۲۹ مورد بود که در قرن هشتم و دهم ۱ مورد، قرن نهم ۲ مورد، قرن دوازدهم ۸ مورد و قرن سیزدهم ۱۸ مورد یافت شد. خصلت خشونت‌طلبی در مرتبهٔ بعدی قرار داشت که ۲۱ نفر از نویسندگان بدان پرداختند. از نظر زمانی، در قرن نهم ۲ نفر، دهم و یازدهم ۱ نفر، قرن دوازدهم ۴ نفر و قرن سیزدهم ۱۳ نفر به این ویژگی پرداختند. فراوانی گزارهٔ ساخت قانون شهوانی، در قرن هشتم و دوازدهم ۱ مورد و در قرن سیزدهم ۶ مورد بوده است. کمترین فراوانی مربوط به خصلت غارتگری بود که در قرن دوازدهم ۱ مورد و قرن سیزدهم ۵ مورد بوده است.

۲. محل نشو و نمای نویسنده



نویسندگانی که پیامبر(ص) را فریب‌کار دانستند، در قلمرو سلسله کاپسین ۱۰ نفر، اندلس ۸ نفر، انگلیس ۴ نفر، ایتالیا ۶ نفر، امپراتوری روم ژرمن ۲ نفر و طرابلس و شام ۱ نفر بودند. نویسندگانی که به تأثیرپذیری پیامبر(ص) از یهود و مسیح پرداختند، ۹ نفر در قلمرو سلسله کاپسین،۷ نفر در اندلس، ۴ نفر در ایتالیا، ۴ نفر در انگلیس، ۲ نفر در امپراتوری روم ژرمن و ۱ نفر در اورشلیم، شام و طرابلس زندگی می‌کردند. دربارهٔ نسبت خشونت‌طلبی، نویسندگان متعلق به قلمرو اندلس ۵ نفر، ایتالیا ۵ نفر، قلمرو سلسله کاپسین

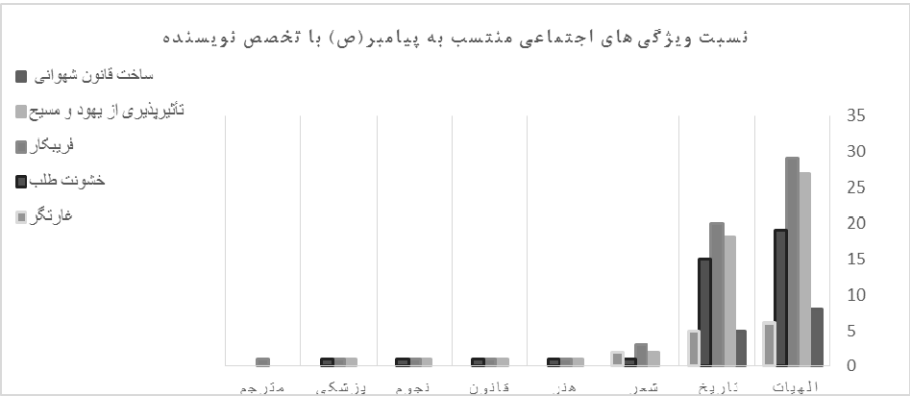
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

۶ نفر، امپراتوری روم ژرمن ۲ نفر و قلمرو انگلیس، طرابلس و قسطنطنیه ۱ نفر بودند. نویسندگانی که به پیامبر انتساب غارتگری دادند، در قلمرو سلسله کاپسین ۲ نفر و در امپراتوری روم ژرمن، انگلیس، اندلس و شام ۱ نفر زندگی می‌کردند.

۳. وابستگی به قدرت

تقریباً تمامی نویسندگانی که به موضع‌گیری دربارهٔ ویژگی‌های اجتماعی پیامبر(ص) پرداختند، وابستهٔ سیاسی بودند. آنها در سمت کشیش، راهب، قاضی، ریاست صومعه و رهبر مذهبی، به دین مسیح خدمت می‌کردند.

۴. تخصص نویسنده



تخصص ۲۹ نفر از نویسندگانی که پیامبر(ص) را فریب‌کار دانستند، الهیات بود که ۱۹ نفر از آنها در تاریخ و ۳ نفر در شعر نیز تبحر داشتند. علاوه بر آن، ۲ نفر از آنها مترجم و مورخ بودند. ۲۷ نفر از نویسندگانی که پیامبر(ص) را فردی تلقین‌پذیر از یهود و مسیح معرفی کردند، متأثّه مسیحی بودند که از میان آنها ۱۷ نفر مورخ، ۲ نفر شاعر و ۱ نفر حقوق‌دان بودند. در رشته‌های تاریخ و ترجمه نیز ۱ نفر متخصص بودند. دربارهٔ انتساب خشونت‌طلبی، ۱۹ نفر در رشتهٔ الهیات تبحر داشتند که ۱۳ نفر از آنها در تاریخ نیز متخصص بودند. البته ۲ نفر از آنها به‌طور ویژه مورخ بودند. در رشته‌های هنر، قانون، نجوم، پزشکی و شعر، یک نفر پیامبر(ص) را خشونت‌طلب دانستند. نویسندگانی که به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

پیامبر(ص) نسبت غارتگری دادند، در مجموع ۶ نفر بودند که همگی متألّه بودند و ۵ نفر از آنها مورخ و ۲ نفر شاعر نیز بودند.

نتیجه‌گیری

از نسبت‌سنجی‌های فوق برمی‌آید که اولین انگاره‌های مسیحیان از پیامبر(ص)، با وجود تفاوت در دورهٔ زمانی، محل نشو و نما و تخصص، یکسان بوده و به مرور زمان تعداد آن افزایش یافته است. شاید این امر را بتوان در انگیزهٔ یکسان آنها جست‌وجو کرد. اولین امری که مسیحیت را به تقابل با اسلام وا داشت، انگیزهٔ سیاسی بود. تصرف سرزمین‌های مسیحی‌نشین امپراتوری روم شرقی و ورود سپاه اسلام به شبه‌جزیره ایبری، مسیحیت را بر آن داشت تا علاوه بر مبارزه در جبههٔ نظامی، به ردّ و نقض آرای مذهبی آنان نیز بپردازد؛ به‌ویژه آنکه تازه‌واردان مسلمان، انگیزهٔ خود از حمله به سرزمین‌های مسیحی‌نشین را گسترش اسلام عنوان کردند. به‌تدریج محرّک‌های مذهبی نیز سبب شد تا مسیحیت با برنامه‌ریزی گسترده‌تری به تقابل با اسلام بپردازد؛ زیرا دین اسلام عقاید بنیادی کلیسا چون تثلیث را رد کرده و مسیحیت رایج را دینی معرفی کرد که از مسیر حقیقی خَارج شده - است. ترجمهٔ قرآن به زبان لاتین در قرن دوازدهم میلادی، نقطهٔ عطف این تقابل مذهبی به شمار می‌رفت. این ترجمهٔ مغلوط و سراسر غرض‌آلود که تا پانصد سال بعد مهم‌ترین مرجع شناخت دین اسلام به شمار می‌رفت، خود به وحدت رویّهٔ نویسندگان در تصویرسازی اسلام انجامید. نکتهٔ مهمی که می‌تواند فتح باب یک پژوهش جداگانه باشد، این است که اروپای مسیحی پس از مقابلهٔ نظامی با مسلمانان، دچار تناقض و تضاد شد. آنان پس از مشاهدهٔ پیشرفت‌های شگرف مسلمانان در معماری، حقوق، ادبیات، فلسفه و بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، در سردرگمی ماندند که چطور مردمی بی‌تمدن و جاهل توانستند به چنین مرتبه‌ای برسند؛ افرادی که پیام‌آور دین آنها فردی چون حضرت محمد(ص) بود که در غرب مسیحی تصویری زشت و ناپسند داشت. بنابراین بیشتر از موقعیت نظامی، ضعف فرهنگی بود که موجب شد تا تصویری منفی از اسلام پدید آید. بخشی از این خصومت، ناشی از ادامهٔ اختلافات سیاسی و نظامی بود، اما بیشتر از نابرابری فرهنگی پیروی می‌کرد. بنابراین با توجه به اینکه اروپای مسیحی خود را در مقابل رقیب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

مسلمان کوچک می‌پنداشت، تلاش کرد تا با حقیر شمردن دشمن قوی خود و توهین به پیام‌آور آن، خود را بازیابد و از این طریق پیشرفت کند.

منابع و مآخذ

- ابن‌اثیر، عزالدین (۱۹۶۵)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن‌بابویه، محمدبن علی (۱۳۷۸)، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۴۱۵)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی‌محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن‌سعد (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج۱، ۲، ۷، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل‌بن عمر (۱۴۰۷)، *البدایة و النهایة*، ج۳، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌هشام، عبدالملک [بی‌تا]، *السیرة النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج۱، ۲، بیروت: دار المعرفة.
- اسعدی، مرتضی (۱۳۸۱)، *مطالعات اسلامی در غرب انگلیسی زبان*، تهران: سمت.
- برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، «اسلام؛ اصالت جنگ یا اصالت صلح؟»، *نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*، ش۳۳، صص۱۵۷-۱۷۳.
- پورطباطبایی، مجید (۱۳۹۵)، *خاتم عشق*، تهران: سروش.
- جوادعلی (۱۹۷۶)، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، ج۵، بیروت: دار العلم للملایین.
- حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۹۷۱)، *السیرة الحلبیه*، تصحیح عبدالله محمد خلیلی، ج۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خلج اسعدی، مرتضی (۱۳۷۵)، «یوحنای دمشقی و آغاز مجادله کلامی»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش ۱۱۰۰، صص۵۹-۶۴.
- رحیم‌زاده صفوی، علی‌اصغر (۱۳۳۴)، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، تهران: دفتر آسیای وسطی.
- رزمجو، جمال، فاطمه جان‌احمدی و احمدرضا خضری (۱۳۹۲)، «تحول اصطلاح ساراسن و کاربست آن در میان اروپاییان تا پایان سده سیزده میلادی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، س۵، ش ۱۸، صص۴۷-۶۷.
- سیروسی، راضیه (۱۳۹۸)، «نوع‌شناسی انتقادی اسلام‌شناسان غربی از پیامبر(ص) پس از قرن هفدهم در متون انگلیسی»، *پایان‌نامهٔ مقطع دکتری*، دانشگاه الزهراء.
- سیروسی، راضیه و فاطمه جان‌احمدی، «مطالعهٔ انتقادی دیدگاه ویلیام مویر در مورد وحی به پیامبر اسلام(ص)»، *فصلنامه اندیشهٔ نوین دینی*، ش۵۷، صص۳۲-۴۲.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۲)، *محمد در اروپا*، ترجمهٔ عباس مهرپویا، تهران: اطلاعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

- طبری، محمدبن جریر (۱۹۶۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج۲، ۳، بیروت: دار صادر.
- طوسی، محمدحسن [بی‌تا]، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح احمد حبیب عاملی، ج۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- القرطبی، محمدبن احمد (۱۴۰۵)، *الجامع لأحکام القرآن*، ج۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تحصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مسعودی، علی‌بن حسین (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ج۱، قم: دار الهجره.
- مینوی، مجتبی (۱۳۷۵)، «اسلام از دریچه چشم مسیحیان»، *محمد خاتم پیامبران*، تهران: حسینیه ارشاد، صص۱۶۹-۲۶۱.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب‌بن واضح [بی‌تا]، تاریخ الیعقوبی، ج۲، بیروت: دار صادر.
- Alfonsi, petrus (2006), *Dialogue against the Jews*, Catholic University of America Press.
- Aquinas, Thomas (1878), *Summae de veritate catholicae fidei contra gentiles*, ex Typographia polyglotta.
- Bellovacensis, Vincentius (1473), *Speculum Historiale*, Adolph Rusch.
- Bennett, Clinton (1992), *Victorian Images of Islam*, London: British Library Cataloguing.
- Blank, David and Frassetto Michael (1999), Western *Views of Islam in Medieval and Early Modern Europ*, newyork: Palgrave Macmillan US.
- Cerulli, Enrico (1949), "Libro della scala" e la question delle fonti arabo-spagnole Della Divina commedia, Biblioteca aspostolica vaticana.
- Cesari, J (2013), *Why the West Fears Islam*, Palgrave Macmillan US.
- Chalmers, Alexander (1812), "The General Biographical Dictionary Containing an Historical and Critical Account of the Lives and Writings of the Most Eminent Persons", vol 1, london: J. Nichols.
- Charanis, p (2002), "Theophanes", *New Catholic Encyclopedia*, vol 13, Washington: catholic university.
- Corbett, j.a (2002), "Gerald of Wales", *New Catholic Encyclopedia*, vol 6, Washington: catholic university.
- Daniel, Norman (2009), Islam *and the West: The Making of an Image*, United Kingdom: Oneworld.
- De rada, Rodrigo Jiménez (1999), *Dialogus libri vite*, Turnhout: Brepols.
- De Vitriaco, Jacques (2008), *Histoire orientale*, Turnhout: Brepols.
- De Voragine, Jacobus (2012), *the Golden Legend*, Princeton: University Press.
- De wendover, roger, coxe, Octavius (1842), *Chronica sive Flores historiarum*,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

London: Sumptibus Societatis.

- Di Cesare, Michelina (2012), *The Pseudo-Historical Image of the Prophet Muhammad*, Berlin: Walter de Gruyter.
- Dillon, john (1383), "Godfrey of Viterbo", *Medieval Italy: An Encyclopedia*, Christopher Kleinhenz, Routledge, Mordad.
- Edwards, p (2002), "Peter the Venerable", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Eulogius (1955), *Memoriale Sanctorum*, Catholic University of America.
- Farmer, h (2002), "william of malmesbury", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- ……. (2002), "Matthew Paris", *New Catholic Encyclopedia*, vol 9, Washington: catholic university.
- Fuller, Thomas (1811), *The History of the Worthies of England*, England: F.C. & J. Rivington.
- Gallucci, ralph (1096), *A Global Encyclopedia of Historical Writing*, Routledge: Khordad
- Giraldus (1861), *Giraldi Cambrensis opera*, London: Longmans.
- Gratius, Ortwinus (1690), *Appendix ad fasciculus rerum expetendarum et fugiendarum*, London: Chiswell.
- Hinnebusch, j.f. (2002), "william of tripol", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Kirsch (2002), "Anastasius Bibliothecarius", *New Catholic Encyclopedia*, vol 1, Washington: catholic university.
- Kohut, George Alexander (1901), "Petrus Alfonsi", Jewish Encyclopedia, vol 1, newyork: funk and Wagnalls Company.
- Kotter, b (2002), "John Damascene", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Lacroix, b (2002), "Hugh of Fleury", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Lomax, d.w. (2002), "Rodrigo Jiménez de Rada", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Lozier, c (2002), "Humbert of Roman", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Malmesbirensis (1998), *Gesta Regum Anglorum*, Clarendon Press.
- Malmesbury, William (2012), *De Gestis Regum Anglorum Libri Quinque*, Cambridge University Press.
- Martini, Raymundus (1990), *Capistrum Iudaeorum*, Echter.
- Mcdonnell, e.w. (2002), "Jacobus de Vitriaco", *New Catholic Encyclopedia*, vol 7, Washington: catholic university.
- Mulhern, p.f. (2002), "Raymond Martini", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

- o'donnell, j.r. (2002), "William of Auvergne", *New Catholic Encyclopedia*, vol 14, Washington: catholic university.
- Ott, Michael (1913), "Blessed Jacopo de Voragine", *The Catholic Encyclopedia*, Vol 8, NewYork: Robert Appleton Company.
- Parisiensis, Matthaei (1872), *Chronica Majora*, London: Longman.
- Pertz, Georg Heinrich (1844), *Chronica et annales aevi Salici*, Impensis Bibliopolii Aulici Hahniani.
- Raby, F. J. E. (1934), *A History of Secular Latin Poetry in the Middle Ages*, Oxford: Clarendon Press.
- Robinson, j. (1978), *a new general biographical dictionary*, London.
- Sagax, Landulphus (1913), *Historia Romana*, Tipografia Del Senato.
- Sahas, Daniel (1972), *John of Damascus on Islam: The "Heresy of the Ishmaelites"*, Leiden: brill .
- Scholasticus, Oliverus (1948), *Historia Damiatina*, University of Pennsylvania Press.
- Southern, s. w (1962), *Western Views of Islam in the Middle Ages*, Cambridge: Harvard University.
- Stubbe, Henry (1911*), an Account of the Rise and Progress of Mahometanism :With the Life of Mahomet, and a Vindication of Him and His Religion from the Calumnies of the Christians*, London, Luzac And Company.
- Theophanes, Anastasius (1885), *Theophanis chronographia*, Lipsiae: B.G. Teubnneri.
- ……. (1982), *the Chronicle of Theophanes: Anni Mundi 6095-6305,* Translator: Harry Turtledove.
- Thetmarus, magister (1851), *Iter ad sanctam terram*, Huber.
- Thomas, David (2014), "Muhammad in medieval christian-muslim relations", *Muhammad in History, Thought, and Culture*, Coeli Fitzpatrick, Adam Hani Walker, California: ABC-CLIO.
- Thomson, Rodney (2003), *William of Malmesbury*, Britain: Boydell Press.
- Tolan, John (2013), *Medieval Christian Perceptions of Islam: A Book of Essays*, London: Routledge.
- Tudensis, Lucas (2003), *Chronicon mundi*, Turnhout: Brepols.
- Tyrensis, Wilhelmus (1976), *Historia rerum gestarum in partibus transmarinis*, Octagon Books.
- Wallace, W.a. (2002), "Thomas Aquinas", *New Catholic Encyclopedia*, v0l 14, Washington: catholic university.
- Wibaldi, accedunt and others (1854), *Petri Venerabilis abbatis Cluniacensis noni opera Omnia*, Migne.
- William of Tripoli (1992), *Notitia de Machometo: De statu Sarracenorum*,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

Echte.

- Williams, s (2002), "Sigebert of Gembloux", *New Catholic Encyclopedia*, vol 13, Washington: catholic university.
- Wreglesworth (2002), "Paulus Albarus", *New Catholic Encyclopedia*, vol 11, Washington: catholic university.
- Zeir, mark (1995), "Vincent of Beauvais", *Routledge Revivals: Medieval France*, London: William W. Kibler, Grover A. Zinn.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.45.1.1]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]